

## درک مطلب به زبان خودمانی

برای اینکه بتوانید به راحتی و سریع به سوالات درک مطلب کنکور یا آزمون‌های آزمایشی پاسخ دهید، شما باید علاوه بر دانش زبان، تیپ سوالات درک مطلب و تکنیک‌های پاسخ‌گویی به آنها را نیز بدانید. برای بالا بردن دانش زبان، ابتداءً به کتاب‌های درسیتان (دهم تا دوازدهم) مسلط شوید و سعی کنید معنی واژگان را در متن کتاب یا جمله یاد بگیرید. از خواندن و حفظ واژگان از روی لیست و بدون متن یا جمله جداً پرهیز کنید! درست است که در درک مطلب‌های کنکور و آزمون‌های آزمایشی، واژگان خارج کتاب زیادی دیده می‌شود، اما این را هم بدانید که شما به "درک مطلب" نیاز داریم نه "ترجمه مطلب"؛ یعنی، یک درک کلی از متن می‌تواند برای شما کافی باشد. اگر شکبیا باشید و به طور آهسته و پیوسته تمرین کنید، ظرف ۲ تا ۳ ماه به نتیجه خارق العاده و معجزه‌آسایی خواهید رسید. پیش از اینکه وارد تمرین‌های این کتاب شوید، این چند صفحه درسنامه را روزنامه وار بخوانید.

پیش از هر چیزی، با دو روش خواندن متن – scanning و skimming – آشنا شوید.

### اسکن کردن (scanning) چیست؟

از این مهارت در زندگی روزمره خود زیاد استفاده کرده‌ایم: مثلاً پیدا کردن شماره تلفن از دفترچه تلفن یا پیدا کردن قیمت یک جنس از یک متن یا منوی تبلیغاتی. در این مهارت شما نیازی به خواندن دقیق متن ندارید چرا که صرفاً به دنبال پیدا کردن اطلاعات خاص مانند اعداد، اسم یا واژه یا عبارت خاص هستید. بنابراین، چشمان شما بر روی متن با سرعت هرچه بیشتر حرکت می‌کند تا پاسخ‌های احتمالی که در ذهن دارید را بیابید. شما می‌توانید از چپ به راست یا راست به چپ، از بالا به پایین یا پایین به بالا متن را اسکن کنید.

### اسکیم کردن (skimming) چیست؟

مهارت اسکیمینگ یا (سطحی خوانی)، خواندن سریع یک متن و صرف نظر کردن از مطالب غیر ضروری مانند حروف اضافه و واژگان دشواری است که نیازی به دانستن آنها نیست. مهارت اسکیمینگ را بیشتر برای پیدا کردن ایده کلی یک متن یا پاراگراف استفاده می‌کنیم.

### عمدتاً شش نوع یا تیپ سوال درک مطلب داریم:

**Type 1: Locating References**

نوع اول: پیدا کردن مرجع ضمیر

**Type 2: Vocabulary**

نوع دوم: معنی واژه

**Type 3: Scanning for Details**

نوع سوم: جستجوی جزییات متن

**Type 4: Main Idea or Topic**

نوع چهارم: موضوع یا عنوان اصلی متن

Type 5: Making Inferences

نوع پنجم: استنباط کردن

Type 6: Purpose Questions

نوع ششم: منظور نویسنده

نوع اول: پیدا کردن مرجع ضمیر (The word "X" refers to .....)

در بیش از ۹۰ درصد مواقع، مرجع ضمیر قبل از خود ضمیر قرار دارد و در موارد نادری هم مرجع بعد از آن می‌آید. بهترین و سریع‌ترین روش پاسخ‌گویی به سوال مرجع ضمیر، جایگزین کردن تک‌تک گزینه‌ها به جای ضمیر در متن است: ببینید متن با کدام گزینه معنی منطقی پیدا می‌کند و تمام!

مثال:

For many years people have been trying to create a simple universal language that would serve all over the world as a common means of communication. In the last three hundred years, more than seven hundreds of languages have been suggested. The most successful and the most popular of these is a language called Esperanto.

What does the word "these" in line 3 refer to?

- 1) years                      2) means                      3) languages                      4) people

پاسخ:

برای سال‌های متمادی مردم سعی در خلق زبانی ساده و بین‌المللی کرده‌اند که به عنوان یک ابزار مشترک ارتباطی در سراسر جهان خدمت نماید. در سیصد سال گذشته بیش از هفتصد زبان پیشنهاد شده است. موفق‌ترین و محبوب‌ترین این‌ها (زبان‌ها) اسپرانتو نام دارد.

واژه "these" در خط ۴ به چه چیز اشاره دارد؟

- (۱) سال‌ها                      (۲) وسیله                      (۳) زبان‌ها                      (۴) مردم

خب، از طریق جایگزین کردن گزینه‌ها به جای ضمیر داخل متن، جمله متن فقط با گزینه ۳ به یک معنی منطقی می‌رسد.

نوع دوم: معنی واژه (The word "x" in the 2<sup>nd</sup> paragraph is closest in meaning to .....)

با این نوع سوال دقیقاً مانند یک تست معمولی واژگان برخورد کنید. فرض کنید که به جای واژه داخل متن، نقطه چین یا همان جای خالی وجود دارد و به هیچ وجه به واژه‌ای که زیرش خط کشیده شده کار نداشته باشید.. ببینید که جمله با کدام گزینه کارش راه می افتد.

مثال:

**He was so worn out that he couldn't study and work at all.**

**The word "worn out" is closet in meaning to .....**

- 1) pateint                      2) especial                      3) tired                      4) serious

پاسخ:

او آن قدر خسته بود که اصلاً نمی توانست مطالعه و کار کند.

واژه‌ی "worn out" از لحاظ معنایی به ..... نزدیک است.

- (۱) صبور                      (۲) ویژه                      (۳) خسته                      (۴) جدی

خودمانیم، کدام گزینه باعث شده که او نتواند کار کند یا درس بخواند؟ معلوم است که "خسته بودن" باعث این اتفاق افتاده است. پس گزینه ۳ با توجه به متن صحیح است.

مثال:

The Syrian war is a real tragedy; besides killing hundreds of thousands of people, it has also made millions of others displaced.

**The word "displaced" is closet in meaning to .....**

- 1) jobless                      2) homeless                      3) careless                      4) priceless

پاسخ:

جنگ سوریه یک تراژدی واقعی بود؛ علاوه بر کشته شدن صدها هزار نفر، میلیون‌ها نفر دیگر را نیز آواره کرد.

واژه "displaced" از لحاظ معنایی به ..... نزدیک است.

- (۱) بیکار                      (۲) آواره، بی‌خانمان                      (۳) بی دقت، بی توجه                      (۴) گرانبها، بارزش

نوع سوم: سؤال از جزییات متن

اکثر سوالات درک مطلب از این نوع هستند. این سوالات، جزییات متن را از شما می‌خواهد. یعنی باید به سوالات مربوط به "کی"، "چه وقت"، "چه کسی"، "چرا"، "کدام" و غیره پاسخ دهید. در صورت سوالات جزیی با کلمات و عبارات زیر برخورد می‌کنید:

when, who, where, what, which,...

because, since, as, before, after,...

according to

The writer mentions / states that .....

According to the passage, it is NOT true that .....

All of the following are mentioned in the passage EXCEPT .....

It is TRUE / FALSE that ....

طریقه پاسخ‌گویی به سوالات جزیی هر وقت کلمات بالا را در صورت سوال دیدید، بدانید که این سوال جزییات متن را از شما می‌خواهد. قدم بعدی پیدا کردن یک کلمه یا عبارت کلیدی در صورت سوال است. و سپس همان کلمه یا عبارت کلیدی را از طریق scanning در متن هم پیدا کنید. در اینجا باید سرعت عمل داشته باشید و هر جا به کلمه یا عبارت کلیدی رسیدید بدانید پاسخ در همان حوالی است.

مثال:

The idea of being employed, or working in exchange for money paid as salary or wages, is a relatively recent one. It started fully with the Industrial Revolution in the 1760s. Thousands of years before then, when **primitive** tribes wandered the Earth, everyone – man, woman, and child – worked just to survive, by hunting, gathering food, making clothes, cooking, looking after babies, and handling the houses.

**According to the passage, in primitive time .....**

- 1) employees worked without force
- 2) people worked by hunting animals
- 3) everyone worked to continue to live
- 4) employers refused to hire people

ترجمه:

ایده‌ی استخدام شدن، یا کار کردن در ازای پولی که به صورت حقوق ماهیانه یا هفتگی پرداخت می‌شود، نسبتاً ایده‌ی نوینی است. این ایده کاملاً با انقلاب صنعتی در دره‌ی ۱۹۶۰ آغاز شد. هزاران سال پیش از آن، زمانی که قبایل نخستین در زمین سرگردان بودند، همه - مرد، زن و بچه - تنها به منظور حفظ بقا، از طریق شکار، جمع‌آوری غذا، دوختن لباس، آشپزی، مراقبت کردن از بچه‌ها و اداره کردن خانه کار می‌کردند.

**بر اساس متن، در دوران کهن .....**

- (۱) کارگران بدون اجبار کار می‌کردند.
- (۲) مردم به وسیله‌ی شکار حیوانات کار می‌کردند.
- (۳) همه برای ادامه‌ی زندگی کار می‌کردند.
- (۴) کارفرمایان از استخدام مردم امتناع می‌کردند.

**طریقه‌ی پاسخگویی به سؤالات جزئی منفی**

طریقه‌ی شناخت این نوع از سؤالات بسیار راحت بوده زیرا صورت سؤال از چیزی می‌پرسد که در متن وجود ندارد. ممکن است نوع سؤال به شکل "All of the following are true EXCEPT..." یا "Which statement about the passage is NOT true?" باشد. برای پاسخ به اینگونه سؤالات شما باید بدانید که سه گزینه درست و یک گزینه غلط است یا در متن ذکر نشده است. این نوع از سؤالات ممکن است نیاز به زمان بیشتری برای پاسخگویی داشته باشند.

مثال:

It is an ancient city with many monuments of the 17<sup>th</sup> – century Mogul period. The Lal Bagh camp was begun by a son of the emperor Aurangzeb in 1684. There are more than 700 mosques, including one built as far back as 1456. A Christian church was built by a Portuguese mission in 1677 at a time when Dhaka was the capital of Bengal and a great center of trade.

**Which statement about the passage is NOT true?**

- 1) Dhaka is an ancient city with so many 17<sup>th</sup> century monuments.
- 2) The Lal Bagh Camp was begun by the emperor Aurangzeb in 1684.
- 3) There are more than 700 mosques, including one built in the 15<sup>th</sup> century.
- 4) The Christian church was built by the Portuguese when Dhaka was economically important.

پاسخ:

این شهری باستانی است با بناهای تاریخی بی‌شماری از دوره‌ی مغول در قرن ۱۷. اردوگاه "لال باغ" توسط پسر امپراتور اورنگ زیب در ۱۶۸۴ احداث شد. بیشتر از ۷۰۰ مسجد از جمله مسجدی که تاریخ ساختش به سال ۱۴۵۶ بر می‌گردد، وجود دارد. یک کلیسای مسیحی توسط یک مبلغ مذهبی پرتغالی در سال ۱۶۷۷ یعنی زمانی که داکا پایتخت بنگال و مرکز اصلی داد و ستد بود، ساخته شد.

**کدام جمله درباره‌ی متن درست نیست؟**

- (۱) داکا شهری باستانی با تعداد بیشماری از بناهای قرن ۱۷ است.
- (۲) اردوگاه "لال‌باغ" توسط امپراتور اورنگ زیب در سال ۱۶۸۴ احداث شد.
- (۳) بیش از ۷۰۰ مسجد از جمله مسجدی که در قرن ۱۵ ساخته شد، وجود دارد.
- (۴) کلیسای مسیحی توسط پرتغالی‌ها ساخته شد زمانی که داکا از لحاظ اقتصادی اهمیت داشت.

در این نوع سؤال باید واژه کلیدی هر گزینه را در متن پیدا کنید و گزینه را با جمله مربوطه در متن مطابقت دهید. هر کدام که مغایرت داشت، غلط است. مثلاً در مورد گزینه ۲، اردوگاه "لال‌باغ" توسط پسر امپراتور (son of the emperor) ساخته شد نه خود امپراتور!

**نکته:** باید به شیفت‌های تاریخ ادبیاتی طراح تست دقت کنید! از ریاضیات غافل نشوید مثلاً در متن، سال ۱۴۵۶ آمده است و در گزینه ۳ نیز قرن ۱۵ عنوان شده است. بنابراین برای تبدیل سال به قرن، فقط کفایت دو رقم ابتدای عدد را با عدد ۱ جمع کنید. مثلاً:

$$۱۴+۱=۱۵$$

**نکته:** سؤالات استثناء (که داری NOT و EXCEPT هستند) را بهتر است در آخر پاسخ دهید. چون این قبیل سؤالات کمی وقت گیرند.

**نوع چهارم:** عنوان یا ایده اصلی متن

با اینکه این نوع سوال کل متن را از ما می‌پرسد، ولی اصلاً نیاز نیست که کل متن را بخوانید. در متن‌های چند پاراگرافی، کفایت از طریق skimming جمله اول پاراگراف ۱، جمله اول پاراگراف ۲ و برای محکم‌کاری جمله اول پاراگراف ۳ را هم بخوانید و گزینه‌ای را پیدا انتخاب کنید که این دو یا سه جمله با هم در موردش حرف زده باشند. اما در متن‌های تک‌پاراگرافی خواندن جمله اول و جمله آخر متن کفایت می‌کند.

سؤالات عنوان متن عموماً به شکل‌های زیر هستند:

- The passage is mainly about .....
- What does the passage mainly discuss?
- What is the best title for the passage?
- The passage mainly deals with .....
- What does paragraph ..... mainly discuss?

مثال:

Books that tell children about the lives of real people, or about real things in the world, are nowadays not at all dull and not at all like lesson books. One of the best life stories, or biographies, of famous people is *Mother Teresa* by Anne Sebba. Other similar books are *A Hand Upon Time* (about Charles Dickens) and *Mountbatten: Hero*. Some books are a part of a series,

each title is a separate biography of some famous person. There are many books about people who live ordinary lives but who represent the changing face of the world. There are books about people who have led their countries through times of great stress, and about people who work for and within a particular belief.

People have differing interests in life, and there are a great many books available to cover most hobbies and leisure activities. Subjects such as music, painting, camping, and crafts are covered for various age-groups, so that readers should always be able to find something of interest. (تجربی ۱۳۸۹)

**What is the subject of the passage?**

- 1) books      2) famous people      3) biographies      4) real things in the world

پاسخ:

**عنوان متن چیست؟**

۱) کتابها      ۲) افراد مشهور      ۳) زندگی نامه‌ها      ۴) چیزهای واقعی در جهان

ترجمه جمله اول پاراگراف اول: کتاب‌هایی که با کودکان درباره افراد واقعی، یا چیزهای واقعی در جهان صحبت می‌کنند، امروزه دیگر اصلاً کتاب‌های ملال‌آوری نیستند و به هیچ وجه مانند کتاب‌های درسی نمی‌باشند.

ترجمه جمله اول پاراگراف دوم: افراد علایق متفاوتی در زندگی دارند، و کتاب‌های بسیار زیادی برای پرداختن به بیشتر سرگرمی‌ها و فعالیت‌های اوقات فراغت در دسترس است.

توضیح:

معمولاً جمله اول پاراگراف اول، ایده اصلی را به ما معرفی می‌کند (جمله‌های بعد از آن، اطلاعات و مثال‌هایی برای بیشتر پرداختن در مورد ایده اصلی هستند. حواسمان باشد مثال و اطلاعات اضافی را با "عنوان متن" اشتباه نگیریم! همانطور که در ترجمه جملات اول هر پاراگراف مشخص است، تنها گزینه‌ای که این دو جمله درباره اش حرف زده‌اند، گزینه ۱ است. تا همین جا جواب سؤال لو رفت اما برای دل شما هم که شده بقیه گزینه‌ها را هم بررسی می‌کنیم! آیا گزینه ۲ (افراد مشهور) در هیچ یک از جملات اول هر پاراگراف دیده می‌شود؟ قطعاً خیر. اما در مورد گزینه ۳ (زندگی نامه‌ها) و ۴ (چیزهای واقعی در جهان) فقط در جمله اول پاراگراف اول درباره آنها صحبت شده است و در سایر پاراگراف‌ها از آنها حرفی زده نشده است.

مثال:

It's hard to make friends if you stay home alone all the time. You need to get out of the house and do things that will help you meet other people. Join a club, play a sport, do volunteer work. You'll find that it's easier to make friends with people who have similar interests.

Learn from people at school or work who seem to make friends easily. Observe their behavior. How do they make other people feel comfortable? Notice what they say and how they act. Don't copy everything they do, but try some of their techniques. It will help you develop your own social style.

Think of some topics that would make good conversation. Find out the latest news, listen to the most popular types of music, or watch an interesting movie or TV show. The more you have to say, the more people will want to talk with you.

Be a good listener, and let people talk about themselves. Don't try to dominate the conversation with "me, me, me." Ask lots of questions. Show an interest in the answers. This will make people feel special, and they will want to be your friend.

When you start to get to know someone, don't be friendly and talkative one day and too shy to

### What does the passage mainly discuss?

- 1) What to do to make your life more interesting
- 2) Problems of people who prefer to live alone
- 3) How to overcome old habits of friendship
- 4) What to do to make friends

پاسخ:

متن عمدتاً دربارهٔ چه چیزی بحث می کند؟

- (۱) چه کنید تا زندگی تان جالب تر شود
- (۲) مشکلات افرادی که ترجیح می دهند تنها زندگی کنند
- (۳) چطور بر عادت های قدیمی در دوستی غلبه کنید
- (۴) برای دوست یابی چه کنید

پاسخ:

ترجمهٔ جملهٔ اول پاراگراف ۱: اگر همیشه در خانه تنها باشید، پیدا کردن دوست دشوار است. شما لازم است از خانه بیرون بروید و کارهایی انجام دهید که به شما کمک می کند افرادی دیگری را ملاقات کنید.

ترجمهٔ جملهٔ اول پاراگراف ۲: از افرادی که در مدرسه یا محل کار هستند و به نظر می رسد که به راحتی دوست پیدا می کنند، یاد بگیرید.

همان طور که در ترجمهٔ جملات اول پاراگرافها دیده می شود، تنها گزینه ای که هر دو پاراگراف به بحث دربارهٔ آن پرداخته اند، گزینهٔ ۴ است. در ضمن هیچ ردی از گزینه های دیگر در این دو جمله وجود ندارد.

نوع پنجم: سؤالات استنباطی

در این نوع سوال، شما باید به یک برداشت کلی از یک جمله یا از یک پاراگراف خاص برسید. سبک پاسخ گویی تقریباً مثل سؤالات جزئی است. یعنی پیدا کردن کلمه یا عبارت کلیدی در صورت سوال یا گزینه ها و پیدا کردن آن در متن و مطابقت دادن گزینه با متن. فقط فرقی این است که همان جمله بندی داخل متن را کمتر می بینید و یک برداشت یا درک کلی از جمله ای متن لازم است.

صورت سوال استنباطی بیشتر به شکل های زیر است.



- ▶ It can be understood from the passage that ..... از متن می تواند فهمید که .....
- ▶ The writer believes that ..... نویسنده معتقد است که .....
- ▶ The passage suggests that ..... متن نشان می دهد که .....

مثال:

One easy way to protect wildlife is learning about endangered animals that live around you. Teach your friends and family about the wonderful birds, fish and plants that live near your home. In this way, they are going to be more careful about nature. You can also visit a national wildlife museum or park. These places give good information about how to protect endangered animals and their homes.

You can do voluntary work in these places to help animals and their babies. Another thing you can do is protecting the natural home of the endangered animals. When you keep nature clean and safe, the animals will live longer. Protecting the trees of forests is also helpful. If you live in a village, you need to be very careful about the hunters who come to your village to hurt animals. Whenever you see these people, you need to call the police. These are simple works, but they will help nature a lot.

**It can be understood from the passage that when you teach your friends and family about the wonderful animals living near your home, .....**

- 1) they will know all information about these animals
- 2) they will pay more attention to wildlife
- 3) they will keep these animals in cages more carefully
- 4) they will go to wildlife museum or park to watch them

پاسخ:

از متن می تواند فهمید که وقتی شما به دوستان و خانواده تان درباره حیوانات شگفت انگیزی که نزدیک منزل تان زندگی می کنند، آموزش می دهید، .....

۱) آنها همه اطلاعات درباره این حیوانات را خواهند دانست

۲) آنها توجه بیشتری به حیات وحش خواهند کرد

۳) آنها این حیوانات را با دقت بیشتری در قفس ها نگهداری می کنند

۴) آنها برای تماشای آنان به پارک یا موزه حیات وحش می روند

توضیح:

کلید پاسخ گویی عبارت "teach your friends and family" است. در خط دوم پاراگراف ۲ می‌توان پاسخ را یافت. در آنجا گفته شده، "به دوستان و خانواده‌تان درباره این پرندگان، ماهی‌ها و گیاهان شگفت‌انگیزی که نزدیک منزل‌تان زندگی می‌کنند، آموزش دهید. به این ترتیب، آنها بیشتر مراقب طبیعت خواهند بود." با توجه به این جمله، گزینه ۲ از آن برداشت می‌شود.

علت غلط بودن سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱ به این علت غلط است که دارای کلمه مطلق‌گرایی all است چون با کمی آموزش دادن ما، قطعاً اطرافیان ما درباره حیات وحش پروفیسور نخواهند شد!

نکته آموزشی: اگر در گزینه‌های سوالات استنباطی، کلمات **مطلق‌گرا** وجود داشته باشد، آن گزینه به احتمال خیلی زیاد غلط از آب در می‌آید.

کلمات مطلق‌گرا عبارتند از:

**no – any – never – at all – just – only – nobody – anybody – all, the most, whenever, ...**

گزینه ۳ در متن موجود نیست. ما به این گزینه‌ها می‌گوییم "not mentioned" یعنی "ذکر نشده".  
گزینه ۴ هم ربطی به جمله سوال ندارد. درست است که در پایین‌تر آمده ولی به درد استنباط کردن از این جمله نمی‌خورد.  
و در نهایت گزینه ۲ صحیح است که pay attention در گزینه تقریباً هم معنی be more careful است و nature هم مترادف wildlife است.

مثال:

Sarah's house is made of stone, a few hundred years old, typical of the kind of place for sale cheaply here. Like actually all the village houses it's attached to the neighbouring ones. Inside, it is dark and cool. When Sarah bought the house, it had cold running water, some missing floors, and the fireplace didn't work.

**It can be understood from the passage that when Sarah bought her house it..... .**

- 1) was good enough to live in
- 2) required some repairs
- 3) was in the same condition as the other houses
- 4) was older than the other houses in the village

پاسخ:

گزینه ۲ درست است. چون وقتی سارا خانه را خرید، آب لوله کشی‌اش سرد بود، تکه‌هایی از کف پوش آن نبود و شومینه هم کار نمی‌کرد. اینها همه نشان می‌دهد که این خانه به کلی تعمیرات نیاز داشت!

نوع ششم: سؤالات منظور نویسنده

این نوع سوال، هدف نویسنده از یک جمله، پاراگراف خاص یا کل متن را می‌خواهد. در این نوع سوال، افعال خاصی در گزینه‌ها وجود دارد که باید معنی آنها را بدانیم. بیشتر آنها را در جدول زیر آورده‌ایم:

توصیه کردن <b>advise</b>	توصیف کردن <b>describe</b>
اشاره کردن <b>point out</b>	تاکید کردن <b>emphasize</b>
حمایت کردن <b>support</b>	توضیح دادن <b>explain</b>
پیش‌بینی کردن <b>predict</b>	معنی کردن <b>define</b>
ثابت کردن <b>prove</b>	مثال آوردن، مثال (exemplify) <b>give examples</b> زدن
نشان دادن <b>show</b>	مقایسه کردن <b>compare</b>
مقایسه کردن <b>contrast</b>	خلاصه کردن <b>summarize</b>
هشدار دادن <b>warn</b>	معرفی کردن <b>introduce</b>
نشان دادن <b>illustrate</b>	ذکر کردن <b>mention</b>
روشن کردن <b>throw a light</b>	انتقاد کردن <b>criticize</b>
پیشنهاد کردن <b>suggest</b>	تجزیه و تحلیل کردن <b>analyze</b>
رد کردن <b>reject</b>	بیان کردن <b>state</b>
افزودن <b>add</b>	یادآوری کردن <b>remind</b>
ارائه دادن <b>present</b>	شرح دادن <b>elaborate</b>
به نتیجه رسیدن <b>come to a conclusion (conclude)</b>	تمرکز کردن <b>concentrate (focus)</b>
توضیح دادن، شرح کردن <b>clarify</b>	

	نشان دادن <b>indicate</b>
ترغیب کردن <b>persuade</b>	انکار کردن <b>deny</b>
بیان مجدد کردن <b>restate</b>	فهرست کردن <b>list</b>
ردیابی کردن، پی بردن <b>trace</b>	ارزیابی کردن <b>assess</b>
بحث کردن <b>argue</b>	

مثال: (ریاضی خارج از کشور ۱۳۹۷)

If happiness underlies and animates our purpose, then aiming for it seems a reliable way of moving toward that purpose. In other words, if you let what makes you happy by your guide, there is a good chance that you are on your path to fulfilling your pupose.

**Which of the following describes the funntion of the sentence below, which is the last sentence of the passage?**

*In other words, if you let what makes you happy by your guide, there is a good chance that you are on your path to fulfilling your pupose.*

- 1) It introduces a new topic.
- 2) It restates an earlier statement.
- 3) It provides a specific example.
- 4) It provides a summary of the whole passage.

پاسخ:

اگر شادی مبنای هدف ما باشد و به آن جان ببخشد، پس هدف‌گذاری آن به نظر روشی قابل اعتماد برای حرکت به سمت آن هدف است. به عبارت دیگر، اگر اجازه دهید آنچه که شما را شاد می‌کند، راهنمای شما باشد، شانس خوبی وجود دارد که شما در مسیر تحقق هدفتان هستید.

کدام یک از جملات زیر نقش جمله زیر که آخرین جمله متن است را توصیف می‌کند؟

به عبارت دیگر، اگر اجازه دهید آنچه که شما را شاد می‌کند، راهنمای شما باشد، شانس خوبی وجود دارد که شما در مسیر تحقق هدفتان هستید.

۱) آن یک موضوع جدیدی را معرفی می‌کند.

۲) آن گفته قبل تر را بازگو می‌کند.

۳) آن مثال خاصی فراهم می‌کند.

۴) آن خلاصه‌ای از کل متن فراهم می‌کند.

به عبارت **in other words** (به عبارت دیگر) دقت کنید. همیشه از این عبارت برای بیان مجدد یا بازگو کردن چیزی استفاده می‌شود؛ پس گزینه ۲ درست است.

مثال: (تجری ۱۳۹۷)

When we are learning a foreign language, we tend to think that it is important to understand everything that we hear. But when you are listening to someone talking in your own language, you probably don't listen at 100% and nor do you probably need/wish to.

**Why does the author refer to the experience of talking in the mother tongue (paragraph 1)?**

- 1) To prove that learning a new language is not easy.
- 2) To show that our knowledge of our native language is perfect.
- 3) To support the main point mentioned in an earlier statement in the same paragraph.
- 4) To state that the mental effort you make to understand when others are talking to you is more than the mental effort you make when you yourself are talking.

پاسخ:

زمانی که در حال یادگیری یک زبان خارجی هستیم، تمایل داریم که فکر کنیم فهمیدن هر چیزی که می‌شنویم مهم است، اما وقتی که شما در حال گوش دادن به صحبت شخصی به زبان خودتان هستید، احتمالاً ۱۰۰ درصد گوش نمی‌دهید و یا اینکه احتمالاً نیاز یا تمایل ندارید.

**چرا نویسنده به تجربه صحبت کردن به زبان مادری اشاره می‌کند (پاراگراف ۱)؟**

۱) تا ثابت کند که یادگیری یک زبان جدید آسان نیست.

۲) تا نشان دهد که دانش زبان مادری ما کامل است.

۳) تا نکته اصلی اشاره شده در جمله قبل تر در همان پاراگراف را مورد حمایت قرار دهد.

۴) تا بیان کند که تلاش ذهنی که شما برای فهمیدن انجام می‌دهید زمانی که دیگران در حال صحبت کردن با شما هستند، بیشتر از تلاش ذهنی است که وقتی خود شما در حال صحبت کردن هستید.

در پاراگراف اول، نویسنده برای حمایت کردن از جمله اول، از زبان مادری مان مثال می زند تا به قولی جمله اول حسابی شیرفهم شود!

Hamid Khazaei